

ورود اسلام به ایران و تأثیراتش در قرون بعد

دکتر محمد مسعود نوروزی شمیرانی

www.ketab.ir



کتاب

تهران، خیابان شریعتی، بالاتر از سه راه طالقانی،

خیابان نیرو، شماره ۷/۱، تلفن: ۷۷۶۲۶۳۷۹

ورود اسلام به ایران و تأثیراتش در قرون بعد

محمد مسعود نوروزی شمیرانی

• چاپ اول، ۱۴۰۱ تهران • شمارگان ۵۰۰ نسخه • قیمت: ۲۴۰۰۰۰ تومان

• ویراستار: علی قاسمی • صفحه‌آرا: هاجر صفری

• طرح جلد: حسن کریم‌زاده • چاپ و صحافی: پردیس دانش

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۶۹۱۷-۶۰-۶ ISBN 978-964-6917-60-6

همه حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است. Printed in Iran

سرشناسه: نوروزی، محمد مسعود، ۱۳۵۰
عنوان و نام پدیدآور: ورود اسلام به ایران و تأثیراتش در قرون بعد / تألیف محمد مسعود نوروزی
شمیرانی.

مشخصات نشر: تهران: گام نو، ۱۴۰۱

مشخصات ظاهری: ۵۳۴ ص.

فروست: تاریخ ایران.

شابک: 978-964-6917-60-6

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

موضوع: ایران -- تاریخ -- پس از اسلام، ۱۲ق. - ۹۱۱ق.

موضوع: 1505 - 633 Islamic era - History - Iran

رده بندی کنگره: DSR۵۱۱

رده بندی دیویی: ۰۴/۹۵۵

شماره کتابشناسی ملی: ۵۱۲۵۳۱۵

اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیبا

فهرست

پیش‌گفتار	۱۱
فصل اول: اوضاع ایران زمین، «قرن‌ها قبل» از اسلام	۱۷
۱-۱- ورود اقوام آریایی به ایران	۱۷
۱-۲- اقوام بومی، مادها و آیین آنها	۲۰
۱-۳- اشتراکات دینی آریاییان ایران و هند	۲۳
۱-۴- ظهور زرتشت و مخالفت با دین آریایی	۲۶
۱-۵- کردار و پندار هخامنشیان	۳۳
۱-۶- کردارهای خانوادگی آریایی	۳۹
۱-۷- کردارهای اجتماعی هخامنشیان	۴۴
۱-۸- کردار سفیر آیین مزدیسنايي	۴۵
۱-۹- تمدن و معماری هخامنشی	۴۸
۱-۱۰- حمله خونبار اسکندر مقدونی	۵۱
۱-۱۱- تسلط فرهنگ و آداب یونانی	۵۴
۱-۱۲- استقلال مجدد توسط اشکانیان و آیین آنها	۵۸
۱-۱۳- جمع‌بندی فصل اول	۶۰
فصل دوم: اوضاع ایران زمین در «آستانه» ورود اسلام	۶۳
۲-۱- چهار سده فرمانروایی ساسانیان	۶۳
۲-۲- پندار و گفتار مزدیسنايي علیه مخالفان	۶۵
۲-۳- فقهای قدرتمند دربار ساسانی	۶۹
۲-۴- کردارهای خانوادگی ساسانیان	۷۱
۲-۵- کردار حکومت ساسانی درباره سایر ادیان	۷۸
۲-۶- جامعه طبقاتی و بافت شهری ساسانیان	۸۴

۸۶	۲-۷- محرومیت اقتصادی توده ایرانی
۹۰	۲-۸- محرومیت ایرانیان باستان از تحصیل
۹۳	۲-۹- آیا تمام سرزمین ایران زرتشتی بودند؟
۹۶	۲-۱۰- روابط ایرانیان با اعراب مرزی و شبه جزیره
۱۰۱	فصل سوم: اوضاع ایران زمین در قرن اول هجری
۱۰۱	۳-۱- سر آغاز بحث
۱۰۲	۳-۲- هدف و مخاطب پیام محمد رسول (ص)
۱۰۷	۳-۳- آغاز اختلافات تیسفون ساسانی با حیره عربی
۱۱۵	۳-۴- وقایع چهار سال سرنوشت ساز در دربار ایران
۱۱۷	۳-۵- وقایع چهار سال سرنوشت ساز در عربستان
۱۲۴	۳-۶- یک برداشت تاریخی اشتباه
۱۲۵	۳-۷- ایران در زمان حلیفه اول ابوبکر
۱۳۸	۳-۸- ایران در زمان حلیفه دوم عمر
۲۰۸	۳-۹- ایران در بازه دوازده سال حکومت حلیفه سوم عثمان
۲۲۶	۳-۱۰- تحلیلی بر علل ناکامی ساسانیان
۲۳۴	۳-۱۱- ایران در زمان خلافت امام علی
۲۴۵	۳-۱۲- جزیه و زکات
۲۵۸	۳-۱۳- برخی اصول کلی در دین اسلام
۲۸۱	۳-۱۴- ماهیت و علت جنگ های خلفای راشدین
۲۹۲	۳-۱۵- سرنوشت اسیران ایرانی
۳۰۵	۳-۱۶- آزادی مناسک زرتشتیان و مسیحیان
۳۰۷	۳-۱۷- حکومت بنی امیه
۳۳۳	فصل چهارم: وقایع ایران زمین در قرون دوم و سوم هجری
۳۳۳	۴-۱- حکومت بنی عباس
۳۳۴	۴-۲- اختلافات درونی زرتشتیان
۳۳۸	۴-۳- کتاب های دینی و ادبی زرتشتی
۳۵۷	۴-۴- وقایع قرن دوم و دانشمندان آن
۳۶۱	۴-۵- تغییرات زبان و خط فارسی
۳۷۲	۴-۶- وقایع قرن سوم و دانشمندان آن

فصل پنجم: وقایع ایران زمین در قرون چهارم و پنجم هجری	۳۸۷
۵-۱- وقایع قرن چهارم	۳۸۷
۵-۲- دانشمندان قرن چهارم	۳۹۳
۵-۳- دانشمندان قرن پنجم	۳۹۷
فصل ششم: وقایع ایران زمین در قرون ششم و هفتم هجری	۴۰۳
۶-۱- ظهور افسانه نابودی کتب در قرن ششم	۴۰۴
۶-۲- رد پای کتاب‌های علمی ایران باستان را در کجا باید جست؟	۴۱۹
۶-۳- دانشمندان قرن ششم	۴۲۰
فصل هفتم: حمله مغولان به ایران در قرن هفتم هجری	۴۲۳
۷-۱- دانشمندان قرن هفتم و وقایع قرن هشتم هجری	۴۲۳
۷-۲- فاجعه حمله مغولان	۴۲۶
۷-۳- دانشمندان قرن هشتم	۴۴۲
فصل هشتم: صعود و سقوط ایران مسلمان	۴۴۵
۸-۱- علل و زمینه‌های رشد اسلام در ایران	۴۴۵
۸-۲- دلایل نزول «شکوه ایرانیان مسلمان» بعد از قرن ۸	۴۶۳
۸-۳- جمع‌بندی	۴۷۴
فهرست برخی منابع	۴۷۹
منابع فارسی و عربی	۴۷۹
منابع لاتین	۴۹۸
نمایه	۴۹۹

پیش‌گفتار

در دوران مدرسه، به هنگام مطالعه درس تاریخ مربوط به وقایع اواخر عصر ساسانیان و ورود اسلام به ایران، بحث مربوط به آن وقایع خیلی روشن نبود و پرسش‌ها و ابهاماتی در خود داشت. شاید سایر دانش‌آموزان چندان توجهی به این پرسش‌ها نداشتند و معلّم نیز. دانش‌آموزان در تلاش برای حذف فصل‌های بیش‌تری از کتاب تاریخ، و معلّم در فکر تمام کردن درس و دادن آمار قبولی بودند!

در آنجا، سخن از یزدگرد آخرین شاه ساسانی، و کشته شدنش به دست آسیابانی در مرو (۶۵۱ م) و ورود اسلام بود؛ و سپس بلافاصله مبحث خلافت امویان (۶۲۲ تا ۷۵۰ م) طرح می‌گردید؛ در کتاب‌های تاریخ سال‌های بعد، ماجرای خلافت عباسیان (۷۵۰ تا ۱۲۵۸ م) به‌طور نیمه‌تمام ارائه می‌شد؛ یعنی در میانه حکومت عباسیان، به شرح حکومت‌های ایرانی طاهریان (۸۲۱ تا ۸۷۳ م)؛ صفاریان (۸۶۱ تا ۱۰۰۲ م)؛ سامانیان (۸۷۴ تا ۱۰۰۴ م)؛ و آل بویه (۹۳۲ تا ۱۰۵۵ م) و ... پرداخته می‌شد.

گویی یک جهش در فاصله بین حکومت ایرانیان باستان با دوره‌های ایرانیان مسلمان در کار بود. خلاصه ماجرا این بوده است که حکومت ساسانیان، ابتدا (۶۳۵ م) در قادسیه، نزدیک کربلا، و سپس در نهاوند (۶۴۲ م) از لشکر مسلمانان شکست خورد، و نه سال بعد، آخرین شاه ساسانی در ترکمنستان کنونی، به دست یک ایرانی کشته شد؛ یعنی فاصله‌ای در حدود ۲۵ سال از هنگام گسترش اسلام در عربستان، تا ورود و گسترش مقدماتی آن به ایران (۶۳۲-۶۵۶ م) در این میان، رخداد برخی وقایع، گنگ و مبهم می‌شود. در آن زمان، در مواجهه با رخدادهای پس از ورود اسلام به ایران، پرسش‌های نگارنده این بود که ایرانیان چگونه مسلمان شدند؟ قبل از جنگ نهاوند، ما چه می‌کردیم و چه آدابی داشتیم؟ آیا آن آداب و رسوم، محبوب مردم ایران بود؟ زبان ما چه بود؟ جنگ قادسیه چرا آغاز شد؟ آیا امام علی یا امام حسن نیز در

این جنگ شرکت داشتند؟ برخوردها با اسرای جنگی چگونه بود؟ آیا تمام زنان ایران را به کنیزی بردند؟ آیا این واقعه، جنگی تجاوزکارانه و ظالمانه بود و مهاجمان در پی کسب ثروت بودند؟

می‌دانیم که ابومسلم خراسانی در ۷۱۸ م، یعنی ۷۶ سال بعد، اعراب اموی را شکست داد؛ سپس طاهر بن حسین در ۸۲۱ م، یعنی حدود ۱۸۰ سال بعد، اولین حکومت مستقل ایرانی را در بلخ بنیان گذارد. در این بازه صد و هشتاد ساله، ایرانیان با چه زبانی سخن می‌گفتند؟ آیا با همان زبان فارسی که مثلاً اشکانیان یا ساسانیان با آن تکلم می‌کردند، آنها نیز با آن تکلم می‌کردند؟ آیا خطی که با آن می‌نوشتند، همان خطی است که آنها، و اکنون ما با آن می‌نویسیم؟ آیا بر فرض، اگر اکنون یکی از سربازان هخامنشی زنده شود و سخن بگوید، تمام واژگانش قابل فهم خواهد بود؟ چه پیوند زبانی یا فرهنگی بین من و مثلاً سرباز هخامنشی برقرار خواهد بود؟ و سؤالاتی از این دست در ذهن نگارنده می‌گشت، اما نه تبیین روشنی در آن دروسِ مختصم یافت می‌شد، و نه پاسخی قانع‌کننده از طرف معلمان داده می‌شد. پاسخ‌ها بنا به پیش‌زمینه‌های معلم مربوط، تفاوت داشت! و اگر از معلم دینی پرسیده می‌شد، پاسخ این بود که فقط می‌دانم که دین اسلام به مکتب تشیع، برحق است و ...! در مقابل، پاسخ معلم فارسی، چند بیت از شاهنامه بود و اینکه اعراب، تازی‌اند و سوسمار و شیر شتر می‌خورده‌اند و تمام هنر و دانش جهان نزد ما ایرانیان بوده است و اعراب، آنها را ربوده‌اند! جواب‌ها کم‌وبیش در همین حول و حوش بود.

نگارنده، در سال‌های بعد، و با توسعه رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی نیز با کمال شگفتی متوجه شد که پاسخ‌ها در خصوص پرسش‌های یادشده، عمدتاً شبیه به یکی از دو حالت سابق‌الذکر است؛ یعنی آغشته است با پیش‌داشته‌های ذهنی و یا غرض‌های شخصی و بغض‌های احساسی، آن‌هم بدون تحقیق علمی.

در هر حال، پاسخ‌ها قانع‌کننده نبود. زیرا نگارنده در پی فهم وقایع و گزاره‌های عینی تاریخی و رخداد‌های نقل‌شده واقعی بود؛ و نه در پی تحلیل‌های برآمده از تمایلات و عواطف شخصی. این مسئله، نگارنده را بر آن داشت تا کمر همت ببندد و خود، با صرف وقتی عظیم و گذشتن از بسیاری از خوشی‌ها و راحتی‌ها و مطالعه حدود ۴۰۰ منبع و کتاب و مقاله مختلف فارسی و عربی و انگلیسی با امداد از کتاب‌های کتاب‌خانه‌های ملی و مجلس، کار سترگ پژوهش ورود اسلام به ایران و پی‌آمدهای آن را به سرانجام برساند. در نگارش اثر پیش‌رو، در حدود ۵ سال وقت صرف شده است. انگیزه اصلی این نوشتار، یافتن حقیقتی درباره یک برش از تاریخ بود. مطالب کتاب، تماماً به هم مرتبط، و هر قسمت به گونه‌ای پیش‌درآمد قسمت

بعدی است؛ لذا نویسنده از خوانندگان محترم تقاضا دارد که کتاب را به تدریج و ترتیب و کامل بخوانند، و از مطالعه ناقص و شتابزده آن خودداری کنند. تأمل و صبر و پیوستگی در مطالعه کتاب، بسیار سودمند خواهد بود.

اما هیچ «گزاره»‌ای در جهان نیست که نتوان با آن مخالفت کرد؛ یا حدّ اقل نتوان عده‌ای را یافت که با آن مخالف باشند. برای آن گزاره نیز هر یک از طرفین می‌توانند دلایلی بیاورند. اینکه چرا عده‌ای، به درستی گزاره‌ای معتقد می‌شوند و عده‌ای به مخالفت با آن گزاره می‌پردازند، البته دلایل متعددی دارد. شاید دلیل اصلی‌اش، صرفاً میزان قوت استدلال و یا وجود شواهد کافی برای پذیرش آن «گزاره» نباشد، دلایل پذیرش یا ردّ یک «گزاره» به شرح ذیل است:

- ۱- محیط خانواده و زندگی؛ ۲- پیش‌زمینه‌های فکری؛ ۳- سطح و منبع درآمد اقتصادی؛
 - ۴- اوضاع سیاسی و اجتماعی زمانه؛ و ۵- خصلت‌های ژنی و ضمیر ناخودآگاه.
- هیچ یک از متخصصان علوم اجتماعی و روان‌شناختی در «تأثیرگذاری» عوامل فوق، بر پذیرش یا ردّ یک گزاره تردید ندارند. اما اگر اختلافی هست در «سهم» تأثیر هر یک از این عوامل است؛ یعنی ممکن است فردی، سهم عامل اقتصادی را بیش‌تر بداند و دیگری سهم خصلت‌های به ارث رسیده ژنی را و یا بالعکس و ... در هر حال، غرض، بیان این واقعیت است که انسان‌ها برای موافقت و یا مخالفت با یک گزاره یا واقعه، صرفاً بر «اساس شواهد و دلایل» عمل نمی‌کنند، بلکه عوامل دیگری نیز علاوه بر آن شواهد و دلایل محض، در کار است که به نسبت تأثیر گذارند. تأثیرگذاری عوامل فوق، در برخی موارد بنا بر صداقت و وجدان فرد، کم‌تر و حتی نزدیک به صفر می‌شود؛ ولی برخی از عوامل مذکور، ناخودآگاه و ناخواسته، تأثیری — هر چند حدّ اقلی — خواهند گذاشت. حالت مطلوب آن است که آدمی بدون افکار از پیش ساخته و به عبارتی با ذهنی خالی، با «گزاره» مواجه شود و بر اساس شواهد و دلایل ارائه شده، قضاوت نماید.

بنابراین شاید بتوان با خالی کردن ذهن از پیش‌فرض‌های قبلی، و روشن کردن چراغ وجدان، در برابر پرسش «ما چگونه مسلمان شدیم؟» به میزان زیاد، پاسخی درخور و منصفانه داد. در این تحقیق نیز در عین توجه به عوامل مؤثر و محدودیت‌های فوق، تلاش نویسنده بر این بوده که تعصبات را کنار گذاشته، و تا حدّ توان، با بی‌طرفی و روش علمی، به سراغ منابع معتبر تاریخی رفته و آنچه را اتفاق افتاده — اعم از خوب و بد — روایت، و در نهایت براساس انصاف، نتیجه‌ای را که خود می‌فهمد، اعلام کند.